

بررسی ویژگی‌های برنامه‌درسی آموزش زبان ملی در کشورهای حوزه زبان فارسی*

حسین قاسم پور مقدم^۱
بلقیس روشن^۲
اکرم محمدی^۳

چکیده

هدف از این پژوهش، مقایسه برنامه درسی زبان‌آموزی ایران با افغانستان، پاکستان و تاجیکستان می‌باشد. پژوهش حاضر از نوع توصیفی بوده و اطلاعات با روش کتابخانه‌ای تهیه شده و از نظر تطبیقی، با توجه به روش چهار مرحله‌ای جرج بردی انجام یافته است. در تمام کشورها از نظر هدف به شناخت محیط و جامعه، تقویت مهارت‌های زبانی، تقویت همکاری با دیگران، افزایش قدرت فهم دانش آموز، تقویت اعتماد به نفس، کشف و شکوفایی علاقه دانش‌آموزان و برانگیختن حس کنجکاوی تأکید شده است. در مورد روش‌های آموزشی، از روش‌هایی نظیر ایفای نقش، اکتشافی، بحث و گفتگو، یادگیری تعاملی، بارش مغزی، سخنگوی میهمان استفاده می‌شود. در ایران محتوای آموزشی مهارت‌های شفاهی شامل خواندن، تصویرخوانی، متن خوانی، شناخت واژه و حروف یا نشانه، درک مطلب، نکته و واژه‌آموزی (کتاب بخوانیم) و مهارت‌های کتبی شامل نوشتن شکل حروف و واژه‌ها، جمله سازی، املا و انشا (کتاب بنویسیم) است در حالی که محتوای آموزشی در پاکستان شامل خواندن و نوشتن، ترجمه، گرامر، شناخت کلمه، جمله سازی، درک مطلب و در افغانستان شامل خواندن، نوشتن، سخن گفتن و گوش دادن، آشنایی با حروف الفبا، عددنویسی، نگارش و رسم الخط، خطاطی و در تاجیکستان شامل خواندن و نوشتن، نکات املائی،

*تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۳/۲۹ تاریخ آغاز بررسی: ۱۳۹۹/۴/۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۳

۱. عضو سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، پست الکترونیکی: h44ghasempour@yahoo.com

۲. هیئت علمی دانشگاه پیام نور

۳. کارشناس ارشد آموزش زبان فارسی

شناخت حروف الفبا، شناخت لغت، روان خوانی، گوش دادن و صحبت کردن می‌باشد. در مورد مواد و منابع یادگیری، در ایران از کتاب‌های بخوانیم و بنویسیم، راهنمای معلم، روش تدریس فارسی ابتدایی، مهارت آموزی زبان فارسی، مجلات آموزشی، فیلم، نوار صوتی و لوح فشرده؛ در پاکستان از فلش کارت، تصاویر، نوار صوتی، اسلاید و کتاب درسی، در افغانستان و تاجیکستان از کتاب درسی، تصاویر، اسلاید، پوستر، نقشه جغرافی، لابراتوار و کتابخانه استفاده می‌شود. در مورد نحوه ارزشیابی، در تمام کشورها از روش‌های کتبی، شفاهی و مشاهده رفتار استفاده می‌گردد.

کلید واژه‌ها: مطالعه تطبیقی، برنامه درسی، زبان آموزی، زبان فارسی

مقدمه

زبان مهمترین وسیله ای است که می‌تواند افراد جامعه را به هم پیوند دهد و یک واحد اجتماعی به وجود آورد زبان مهمترین نهاد اجتماعی است و وسیله ای است برای بیان افکار و احساسات انسانها. برنامه درسی زبان آموزی یا آموزش مهارت‌های زبانی در میان برنامه‌های دیگر دوره ابتدایی از اهمیت به سزایی برخوردار است زیرا نه تنها در تعلیم و تثبیت روابط اجتماعی مؤثر است، بلکه یادگیری سایر مواد درسی را نیز تسهیل و تعمیق می‌بخشد. سخن گفتن، گوش دادن، خواندن و نوشتن اساس یادگیری و تفهیم و تفاهم بین معلم و شاگرد را تشکیل می‌دهد لذا در فرایند یاددهی-یادگیری همه درس‌ها اهمیت دارند.

یادگیری زبان باغنی بودن محیط اطراف کودکان و تجربه های او در محیط ارتباط مستقیم دارد به طوری که می‌توان گفت، پایه زبان آموزی بر تجارب کودکی گذاشته می‌شود. (اکبری، ۱۳۸۵: ۱۰۰)

نخستین و اساسی ترین نقش زبان ایجاد ارتباط بین انسانهاست. زندگی و حیات انسان دارای صبغه اجتماعی است و این ویژگی باعث می‌شود که به ابزاری کارآمد و پویا برای برقراری ارتباط نیاز داشته باشد. همه ی ما در محیط‌های متفاوت اجتماعی خود از جمله در خانواده، مدرسه و ... در مسائل اداری،

آموزشی و بازرگانی و... در استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی و کتاب و همچنین در دهها نقش دیگر، در هر روز چندین ساعت از زبان فارسی (و حتی از زبانهای خارجی) استفاده می‌کنیم. زبان چنان با زندگی ما عجین است که ما هیچ‌گاه آگاهانه به این همگامی بسیار نزدیک توجهی نداریم. (زندى، ۱۳۸۰: ۱۵)

مهمترین نقش زبان «نقش ارتباطی» است. با این حال زبان به عنوان نظامی یکپارچه، خود تنوعاتی دارد که شامل گونه‌های فردی، اجتماعی، جغرافیایی، سبک، سیاق و رسانه‌های مختلف می‌شود. هر زبان از ساختهای درونی شامل ساخت آوایی، صرفی، نحوی، معنایی و گفتمانی تشکیل شده که مجموعاً «توانش زبانی» اهل زبان را تشکیل می‌دهند. با وجود این برای برقراری ارتباط زبانی و عناصر فرازبانی هر شخص باید اصول و قواعد کاربرد شناختی زبان شامل اصول استفاده مناسب از عناصر در موقعیت‌های اجتماعی مربوط، قواعد غیرکلامی مؤثر بر ارتباط زبانی حاکم برگفتار را رعایت کند. توانایی رعایت این اصول و قواعد را «توانش ارتباطی» می‌نامیم. (زندى، ۱۳۸۱: ۲۲)

اگرچه یادگیری مهارت‌های شفاهی زبان فارسی می‌تواند بدون آموزش هم صورت گیرد، اما این نکته را نباید از نظر دور داشت که آموزش ابزاری مهم است که می‌تواند به سیاستگذاران و مسئولین گسترش زبان فارسی در عینیت بخشیدن به اهداف و برنامه‌هایشان یاری رساند. به دیگر سخن اگر بخواهیم افرادی غیر فارسی زبان را چه در داخل کشور و چه در کشورهای دیگر با مهارت‌های ارتباطی زبان فارسی آشنا سازیم، تنها نباید به یادگیری طبیعی که معمولاً بر اثر مرادده‌های فردی در طول سفر، ازدواج با یک فارسی زبان و غیره صورت می‌گیرد، بسنده کنیم، بلکه لازم است به آموزش به عنوان یک راه‌حل بالقوه جهت گسترش زبان فارسی در داخل و خارج از کشور بیشتر توجه کنیم. (زندى، ۱۳۸۳: ۳)

با وجود اهمیت زبان و زبان‌آموزی متاسفانه در کشور ما کمتر به این مقوله پرداخته شده و تحقیقات و مطالعات اندکی در این زمینه موجود است. استفاده از تجارب و دست‌آوردهای کشورهای دیگر در آموزش مهارت‌های زبانی می‌تواند به عنوان معیاری مناسب جهت سنجش کیفیت برنامه زبان‌آموزی باشد.

پیشینه‌ی تحقیق

در خصوص مطالعات تطبیقی برنامه‌دستی زبان‌آموزی پژوهش‌های بسیار اندکی صورت گرفته است. قاسم پور در پژوهش خود با عنوان «بررسی تطبیق دیدگاه‌ها، رویکردها و روش‌های برنامه‌ریزی زبان‌آموزی به منظور ارائه الگوی مناسب برای آموزش زبان فارسی» از طریق تطبیق و مقایسه دیدگاه‌ها،

رویکردها و روش‌های برنامه‌درسی زبان‌آموزی به توصیف مبانی فلسفی، روانشناسی و زبان‌شناسی این برنامه می‌پردازد تا انعکاس بنیان‌ها و اصول نظری حوزه‌های فوق را در برنامه‌درسی زبان‌آموزی کشورهای آمریکا (کالیفرنیا)، انگلستان، آلمان، ژاپن، عربستان سعودی و ایران تبیین نماید. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که در چهار حوزه فلسفی، روانشناسی، زبان‌شناسی و برنامه‌درسی هر سه سطح دیدگاه، رویکرد و روش به هم نزدیک هستند و تنها نوع بیان و اصطلاحات با هم تفاوت دارد. در مورد عناصر و مؤلفه‌های برنامه‌درسی زبان‌آموزی کشورهای مورد مطالعه پژوهشگر به این نتیجه دست یافت که در هر کشور به نسبت نوع نگاه و رویکرد برنامه‌درسی عناصر و مؤلفه‌ها تفاوت دارد اما در همه‌ی آنها به رویکرد چهارمهارت زبانی، اهداف، محتوا و قواعد دستوری توجه می‌شود. (قاسم پور، ۱۳۸۳)

بخشش در پژوهش خود با عنوان «مطالعه تطبیقی برنامه‌درسی زبان‌آموزی دوره ابتدایی ایران و آمریکا» هدف پژوهش خود را بررسی تطبیقی و مقایسه‌برنامه‌درسی زبان‌آموزی ایران و چهار ایالت آمریکا (کالیفرنیا، ویرجینیا، آریزونا و ویسکانزین) به منظور بهره‌گیری از نتایج مطالعه در جهت بهبود برنامه‌درسی زبان‌آموزی دوره ابتدایی ایران عنوان کرده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در زمین‌ها اهداف آموزشی، مهمترین هدف آموزش زبان فارسی در ایران پرورش سه حیطه‌ی شناختی، عاطفی و مهارتی و در ایالات مورد نظر برقراری ارتباط صحیح با دیگران و آماده شدن برای ایفای نقش شهروندی می‌باشد. در زمینه مواد و منابع یادگیری مهارت‌های زبانی، تنوع و تعدد مواد و منابع یادگیری در ایالات مورد نظر بسیار بیشتر بوده که به طرق مختلف در اختیار معلمان قرار می‌گیرد. در مورد روش‌های آموزش مهارت‌های زبانی، در ایران از روش‌هایی چون بحث و گفتگو، پرسش و پاسخ، ایفای نقش، استقرایی، اکتشافی،... و در ایالات مورد نظر به دلیل غیر متمرکز بودن نظام‌های آموزشی از روش‌های بسیار متنوعی که بیشتر تأکید بر روش‌های تلفیقی، سمعی و بصری، ارتباطی، بحث و گفتگو و... دارند، استفاده می‌شود. در مورد نحوی ارزشیابی مشخص شد که در ایران از روش‌های کتبی، شفاهی و مشاهده‌ی رفتار و در ایالات مورد نظر به دلیل غیر متمرکز بودن نظام‌های آموزشی از ارزشیابی‌های گوناگون که بیشتر به صورت کتبی، شفاهی، مشاهده رفتار و به خصوص خودارزیابی است، استفاده می‌شود. (بخشش، ۱۳۸۴)

شریفیان در طرح پژوهشی خود با عنوان «بررسی تطبیقی نظام ارزشیابی پیشرفت تحصیلی در هفت کشور جهان و ارائه الگوی مناسب برای آموزش و پرورش ایران» هدف از انجام پژوهش را بررسی تطبیقی نظام ارزشیابی پیشرفت تحصیلی فراگیرندگان در کشورهای آلمان، ژاپن، کانادا، فرانسه، کره، مالزی،

اندونزی و مصر با جمهوری اسلامی ایران به منظور بهره‌گیری از نتایج مطالعه برای پیشنهاد الگوی مناسب ارزشیابی پیشرفت تحصیلی فراگیران در نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران عنوان کرد. در این پژوهش اطلاعات جمع‌آوری شده به روش کیفی در سه مرحله‌ی (خلاصه کردن اطلاعات، عرضه‌ی اطلاعات و نتیجه‌گیری) مورد تحلیل قرار گرفت و نتایج نشان می‌دهد که در کشور ما بین نظام ارزشیابی پیشرفت تحصیلی به عنوان یک عنصر از برنامه‌درسی با سایر عناصر و رویکرد و الگوی برنامه‌درسی هماهنگ و هم‌سویی لازم وجود ندارد و این عامل خود یکی از عوامل اساسی عدم تحقق انتظارات آموزش و پرورش و رشد و توسعه‌ی جامعه می‌باشد. در صورتی که در کشورهای دارای نظام آموزش و پرورش برتر این هماهنگی و هم‌سویی بین عناصر برنامه‌آموزشی و درسی و حتی ویژگی‌های جامعه شناختی وجود دارد (شریفیان، ۱۳۸۱).

جوادی در پژوهش خود با عنوان «مقایسه‌ی تطبیقی برنامه‌های درسی زبان انگلیسی در دو نظام رسمی و غیر رسمی کشور به منظور ارائه‌ی یک الگو (سؤالات پژوهشی را در زمینه‌های زیر طرح کرده است):

- روش‌های مورد استفاده در تدریس زبان انگلیسی در آموزشگاه‌های خصوصی و کلاس‌های مدارس دولتی
- کتب و منابع مورد استفاده در آموزش زبان انگلیسی در آموزشگاه‌های خصوصی و کلاس‌های مدارس دولتی

- کیفیت منابع مورد نظر از ابعاد مختلف برنامه‌ریزی، ویژگی‌های معلمان آموزش زبان از نظر تحصیلات

- نحوه‌ی ارزشیابی از کلاس‌های فوق، تفاوت کلاس‌های خصوصی از مدارس دولتی در موارد فوق و

پس از تجزیه و تحلیل اطلاعات مشخص گردید که دو نظام آموزش زبان در آموزشگاه‌های آزاد و مدارس دولتی در کلیه ابعاد برنامه‌ریزی درسی از یکدیگر متفاوتند. مهمترین وجه تمایز آموزشگاه‌ها از مدارس دولتی در داشتن هدف‌های متفاوت، در انتخاب معلمان بهتر و مجرب‌تر، در به کارگیری رویکرد ارتباطی در آموزش و در انتخاب محتوای مناسب‌تر و برانگیزنده‌تر است (جوادی، ۱۳۸۰).

شریفی در پژوهش خود رویکردها و روش‌های آموزش زبان فارسی را از جهت تاریخی مورد بررسی قرار می‌دهد. در این پژوهش، پژوهشگر زبان را از دید ساخت‌گرایان، روانشناسان و زبان‌شناسان مورد بررسی تاریخی قرار داده و در پایان مقایسه‌ای بین مراحل رشد شناختی ویگو تسکی، پیازه و برونر انجام داده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که زبان پدیده‌ای است انسانی، ذهنی، زنده و دارای ۴ مهارت

کاربردی گوش دادن، صحبت کردن، خواندن و نوشتن که در پیوندی تنگاتنگ با تفکر و آموزش قرار دارند. به این ترتیب که برنامه‌ریزی آموزشی مهارت‌های زبانی برای یک گروه سنی، پیوندی ناگسستگی با فراگیری مهارت‌های زبانی، رشد ذهنی و شناختی و ارزیابی زبان آنها و سیر تاریخی آموزش زبان دارد (شریفی، ۱۳۷۶).

محمدی محتوای کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی را مورد بررسی قرار داد و چارچوبی نظری در خصوص تدوین و اصلاح کتاب‌های فارسی مقطع ابتدایی ارائه کرد. او در پژوهش خود به نتایج زیر رسیده است:

۱- مسئله جنسیت در علاقه و عدم علاقه به موضوع و دشواری متن در تمام مقطع ابتدایی دخالتی ندارد.

۲- درجات دشواری تکالیف در پایه‌های مختلف دوره ابتدایی از نظر دختران و پسران دانش آموز تفاوتی ندارد و یکسان است.

۳- مسئله جنسیت دانش‌آموزان پایه‌های مختلف دوره ابتدایی در جذابیت تصاویر کتاب‌های فارسی ابتدایی اثری ندارد.

۴- علاقه به رنگ‌ها از نظر دانش‌آموزان دختر و پسر کلاس‌های ابتدایی متفاوت است.

۵- هماهنگی حجم تکالیف با وقت دانش‌آموزان در پایه‌های مختلف دوره ابتدایی بستگی به ویژگی‌های دختران و پسران و توانایی‌های ذهنی و همچنین تکالیف فارسی دوره ابتدایی از نظر معلمان و دانش‌آموزان یکسان است.

۶- درجات دشواری متون کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی از نظر معلمان و دانش‌آموزان یکسان است.

۷- درجات علاقه و عدم علاقه به درس کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی از دید معلمان و دانش‌آموزان یکسان است

۸- تناسب حجم کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی با زمان تعیین شده برای تدریس از دید معلمان کلاس‌های مختلف متفاوت است.

۹- بررسی پرسش‌های هر پنج جلد کتاب فارسی دوره ابتدایی بیش از حد به حافظه و درک و فهم دانش‌آموزان توجه داشته و فراگیران را به مطالعه سطحی عادت داده و آنها را از فهم عمیق تر مطالب باز می‌دارد و در نتیجه تکالیف و پرسش‌های کتاب‌های فارسی کمتر به هدف‌های تربیتی در سطوح بالا توجه دارند (محمدی، ۱۳۷۳، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۸۲: ۹۹-۹۷).

اهداف پژوهش

- ۱- مطالعه تطبیقی عناصر و مولفه‌های برنامه‌درسی زبان‌آموزی ایران با افغانستان، پاکستان و تاجیکستان
- ۲- آشنایی باعناصر و مولفه‌های برنامه‌آموزش زبان ملی در ایران، افغانستان، پاکستان و تاجیکستان
- ۳- ارائه پیشنهاداتی جهت بهبود برنامه‌آموزش زبان فارسی در ایران

سوالات پژوهش

- ۱- راهنمای برنامه‌درسی زبان‌آموزی در دوره ابتدایی ایران، افغانستان، پاکستان و تاجیکستان از چه عناصر و مؤلفه‌هایی تشکیل شده است؟
- ۲- اهداف برنامه‌درسی زبان‌آموزی در دوره ابتدایی ایران و افغانستان، پاکستان و تاجیکستان چیست؟
- ۳- روش‌های آموزش زبان ملی در برنامه‌درسی زبان‌آموزی دوره ابتدایی ایران، افغانستان، پاکستان و تاجیکستان کدام‌ها هستند؟
- ۴- محتوای برنامه‌درسی زبان‌آموزی در دوره ابتدایی ایران، افغانستان، پاکستان و تاجیکستان از چه مواد و موضوعاتی تشکیل شده است؟
- ۵- مواد و منابع یادگیری مهارت‌های زبانی در برنامه‌درسی زبان‌آموزی دوره ابتدایی ایران، افغانستان، پاکستان و تاجیکستان چیست؟
- ۶- نحوه‌ی ارزشیابی از زبان و پیشرفت مهارت‌های زبانی در برنامه‌درسی زبان‌آموزی دوره ابتدایی ایران، افغانستان، پاکستان و تاجیکستان به چه صورت است؟

روش پژوهش

این پژوهش از نوع توصیفی و کیفی بوده و به لحاظ تطبیقی مبتنی بر روش مطالعه‌ی تطبیقی جرج بردی (توصیف، تفسیر، همجواری و مقایسه) است. اطلاعات مورد نیاز از طریق منابع کتابخانه‌ای و مراجعه به پایگاه‌های اینترنتی جمع‌آوری شده است. جامعه‌ی آماری راهنمای برنامه‌درسی زبان‌آموزی و کتاب‌های درسی زبان ملی کشورهای مورد مطالعه است. اما به منظور عملی شدن تحقیق، جامعه‌ی نمونه محدود به راهنمای برنامه‌درسی زبان‌آموزی دوره ابتدایی کشورهای است که از نظر زبان مورد استفاده، قرابت و نزدیکی‌هایی دارند. یعنی زبان ملی آموزشی در دوره ابتدایی هر چهار کشور، زبانی است که در ریشه و سابقه‌ی تاریخی (زبان فارسی، البته با تفاوت‌هایی در خوانندار و نوشتار) اشتراکاتی بسیار دارد.

یافته های پژوهش

پرسش اول: راهنمای برنامه درسی زبان آموزی در دوره ابتدائی ایران، افغانستان، پاکستان و تاجیکستان از چه عناصر و مولفه‌هایی تشکیل شده است؟

مطابق یافته‌های تحقیق، عناصر و مولفه‌های موجود در راهنمای برنامه درسی زبان آموزی ایران و سه کشور مورد نظر به شرح زیر می‌باشد:

برنامه درسی زبان آموزی ایران دارای شش عنصر می‌باشد که عبارتند از:

اصول برنامه درسی زبان آموزی، اهداف زبان آموزی، رویکردها و شیوه های زبان آموزی، روش های یاددهی، یادگیری، ساختار محتوی، ارزشیابی و مواد (راهنمای برنامه درسی فارسی ابتدایی، ۱۳۸۶)

در برنامه درسی زبان آموزی افغانستان عناصر مندرج در برنامه عبارتند از:

اهداف زبان آموزی، روش های یاددهی - یادگیری، ساختار محتوا، مواد و منابع یادگیری و ارزشیابی. (نصاب تعلیمی افغانستان، ۲۰۰۸)

عناصر تشکیل دهنده برنامه درسی زبان آموزی در پاکستان و تاجیکستان نیز مشابه برنامه درسی افغانستان شامل: اهداف، روش های یاددهی - یادگیری، ساختار محتوا، مواد و منابع یادگیری و ارزشیابی می‌باشد.

جدول ۱. تطبیق عناصر و مؤلفه‌های برنامه درسی زبان آموزی در دوره ابتدائی ایران و کشورهای مورد مطالعه

| افغانستان - پاکستان - تاجیکستان | ایران |
|---------------------------------|-----------------------------------|
| ۱. اهداف | ۱. اصول |
| ۲. روش های یاددهی - یادگیری | ۲. اهداف |
| ۳. ساختار محتوا | ۳. رویکردها و شیوه های زبان آموزی |
| ۴. مواد و منابع یادگیری | ۴. ساختار محتوا |
| ۵. ارزشیابی | ۵. ارزشیابی |
| | ۶. مواد و منابع یادگیری |

با نگاهی به جدول ۱ متوجه می شویم که:

۱- عناصر و مؤلفه‌های برنامه درسی زبان آموزی ایران نسبت به کشورهای مورد مطالعه از جامعیت بیشتری برخوردار است زیرا مؤلفه‌ها و عناصر علمی برنامه درسی در راهنمای برنامه آمده است.

۲- ایران و کشورهای مورد مطالعه به عناصری چون هدف، محتوا، روش‌های یاددهی - یادگیری، مواد و منابع یادگیری و ارزشیابی توجه داشته‌اند.

۳- همه کشورهای به جز پاکستان به مهارت‌های چهارگانه‌ی زبانی (گوش دادن، سخن گفتن، خواندن و نوشتن) توجه ویژه کرده‌اند و بقیه‌ی عوامل و مواد را زیر مجموعه‌هایی از این چهار مهارت فرض گرفته‌اند.

پرسش دوم: اهداف برنامه‌درسی زبان‌آموزی در دوره‌ی ابتدایی ایران، افغانستان، پاکستان و تاجیکستان چیست؟

مطابق یافته‌های تحقیق اهداف برنامه‌درسی زبان‌آموزی در دوره ابتدایی ایران در سه حیطه شناختی، عاطفی و مهارتی طرح گردیده است. همچنین در برنامه‌درسی زبان‌آموزی افغانستان مهمترین اهداف آموزش زبان ملی، آشنایی با مهارت‌های پایه نظیر؛ خواندن، نوشتن، حساب کردن و همچنین یاد دادن مهارت‌هایی چون، سخن گفتن و شنیدن و ایجاد روحیه‌ی همکاری با دیگران و مشارکت در فعالیت‌های جمعی، رعایت بهداشت فردی، پرورش قوای روحی و جسمی، تقویت حس اعتماد به نفس و استقلال شخصیت ذکر شده است (نصاب تعلیمی افغانستان، ۲۰۰۸).

در برنامه‌درسی زبان‌آموزی پاکستان به اهدافی چون بهبود نوع یادگیری، افزایش قدرت فهم و درک دانش‌آموزان، افزایش توان تفکر بازخوردی، معنی‌سازی و شناخت بیشتر و بهتر محیط اطراف، جامعه، مسائل اشاره شده است (نصاب تعلیمی پاکستان، ۲۰۰۷).

مهمترین اهداف برنامه‌درسی زبان‌آموزی تاجیکستان عبارتند از: آگاهی بیشتر دانش‌آموزان از جهان پیرامون، وسیع‌تر کردن دامنه علائق دانش‌آموزان در زمینه‌های مختلف، ایجاد شرایطی برای پیشرفت روانی، ذهنی و فیزیکی دانش‌آموز، ایجاد شرایط لازم جهت شکوفایی علائق و استعدادها، برانگیختن حس کنجکاوی و هدایت آن (نصاب تعلیمی تاجیکستان، ۲۰۰۶).

جدول ۲. تطبیق و مقایسه اهداف برنامه درسی زبان آموزی در دوره ابتدایی ایران و سه کشور مورد مطالعه

| اهداف برنامه درسی زبان آموزی دوره ابتدایی | کشورها |
|---|-----------|
| <ol style="list-style-type: none"> ۱. آشنایی با ساختار زبان ۲. آشنایی با زبان گفتار و نوشتار ۳. آشنایی با نظم و نثر ۴. آشنایی با جلوه های هنری زبان ۵. آشنایی با مسائل گوناگون در قالب زبان ۶. گسترش معانی و نمادها ۷. نگرش مثبت نسبت به مبانی اعتقادی ۸. بیان عواطف و احساسات و تلطیف آن ۹. توجه به جنبه های زیبایی سخن ۱۰. تقویت مهارت های گوش دادن، سخن گفتن، خواندن و نوشتن | ایران |
| <ol style="list-style-type: none"> ۱. کسب و توسعه مهارت های خواندن و نوشتن، بکار بردن اعداد، حسن خط، صحبت کردن، شنیدن و سایر معلومات و آگاهی های ضروری مطابق فهم و درک دانش آموزان ۲. تقویت روحیه عقیدتی و اخلاقی و کسب معلومات ابتدایی دینی و مهارت های تعلیمی و تربیتی مطابق سن و سال دانش آموزان ۳. ایجاد و تقویت روحیه همکاری با دیگران و مشارکت در فعالیت های دسته جمعی و احترام به حقوق دیگران ۴. آموزش عملی، رعایت بهداشت فردی و جمعی و حفظ محیط زیست و تأمین سلامتی روانی و شادابی دانش آموزان ۵. پرورش قوای روحی و جسمی دانش آموزان و آموزش مهارت های تربیت بدنی ۶. درک موازین اخلاقی، کشف روحیه نظم پذیری و اتخاذ روش مناسب و سازگاری در کار ۷. تقویت زبان مادری در مناطقی که همان زبان تکلم می کنند ۸. آشنا ساختن شاگردان با محیط و طبیعت و برانگیختن حس کنجکاوی علمی و توجه آنها به خلقت و خالق آن. ۹. پرورش روحیه ی خودآموزی، تجربه و تحقیق در شاگردان ۱۰. تقویت حس اعتماد به نفس و استقلال شخصیت و اظهار نظر به صورت درست ۱۱. رشد علائق شاگردان به حفظ کارهای پسندیده اجتماعی و احترام به ارزش های فرهنگی و اسلامی و علمی ۱۲. کشف مهارت های خودارزیابی در فرایندهای آموزشی ۱۳. استفاده از آموزش و مهارت های کسب شده در حل مسائل روزمره ۱۴. کشف علاقه دانش آموزان جهت شرکت فعال در خانواده و اجتماع. | افغانستان |

| | |
|---|-----------|
| <p>۱. شناخت بهتر و بیشتر محیط، جامعه ۲. بهبود نوع یادگیری ۳. توان تفکر بازخوردی، معنی سازی ۴. افزایش قدرت فهم و در کلاس دانش‌آموزان</p> | پاکستان |
| <p>۱. آگاهی بیشتر دانش‌آموزان، انسان و جهان پیرامون ۲. تلفیق نظام اخلاقی با نظام آموزشی و علمی دانش‌آموز ۳. ایجاد رابطه بین دانش‌آموز با جامعه و طبیعت ۴. ایجاد شرایطی برای پیشرفت روانی، ذهنی و فیزیکی دانش‌آموز ۵. نهادینه کردن ارزش‌های اخلاقی از همان دوران کودکی ۶. وسیع‌تر کردن دامنه علاقه دانش‌آموزان در زمینه‌های مختلف ۷. جلوگیری از رفتارهای نابهنجار ۸. ایجاد شرایط لازم برای شکوفایی علایق و استعدادها ۹. توجه خاص به کودکان با استعداد و ایجاد شرایط لازم برای آنها ۱۰. آماده کردن دانش‌آموزان برای دوره بعدی آموزش ۱۱. برانگیختن حس کنجکاوی و هدایت آن ۱۲. آشنایی با سنت‌های فرهنگی و ملی و تاریخی کشور</p> | تاجیکستان |

نکات قابل توجه در مقایسه این اهداف مطابق جدول شماره ۲ بر مبنای یافته‌های تحقیق عبارتند از:
 ۱- در برنامه درسی زبان‌آموزی ایران، اهداف کلی و ویژه هر پایه به تفکیک مهارت‌های گوش دادن، گفتن، خواندن و نوشتن در سه حیطه ی شناختی، عاطفی و مهارتی بیان شده است. این نکته در برنامه درسی زبان‌آموزی افغانستان، پاکستان، تاجیکستان لحاظ نشده و اهداف برنامه درسی در این کشورها بسیار کلی بیان گردیده است.

۲- اهداف برنامه درسی زبان‌آموزی دوره ابتدائی در کشور پاکستان بسیار کلی بیان شده است.
 ۳- در برنامه درسی زبان‌آموزی افغانستان، پاکستان، تاجیکستان، شناخت جامعه، محیط و طبیعت، حفظ محیط زیست، آشنا ساختن شاگردان با محیط و طبیعت جزء اهداف آموزش زبان ملی در دوره ابتدائی ذکر شده است در حالی که این اهداف در برنامه درسی زبان فارسی ایران دیده نمی‌شود.
پرسش سوم: روش‌های آموزش زبان ملی در برنامه درسی زبان‌آموزی دوره ابتدایی ایران، افغانستان،

پاکستان و تاجیکستان کدام‌ها هستند؟

با توجه به یافته‌های تحقیق، در ایران به خاطر متمرکز بودن نظام آموزشی، روش‌های آموزش کاملاً مشخص شده‌اند و این مسئله باعث ساده شدن کار برنامه ریزان، مجریان، دست اندرکاران، و معلمان گردیده است. این روش‌ها عبارتند از: بحث و گفتگو، پرسش و پاسخ، ایفای نقش، قصه‌گویی و نمایش خلاق، روش گردش علمی و مشاهده محیط و طبیعت، روش تفکر استقرایی، بدیعه‌پردازی، روش اکتشافی، حل مسئله، روش واحد کار (پروژه)، روش جمله محور، روش کلمه محور، روش آوا محور، روش هجا محور، روش‌های ترکیبی و روش‌های تلفیقی (راهنمای برنامه درسی فارسی ابتدایی، ۱۳۸۶). در برنامه درسی زبان‌آموزی پاکستان، روش تدریس و یادگیری همان روش سنتی و سخنرانی است با این وجود از روش‌های مختلف دیگری نظیر یادگیری تعاملی، یادگیری گروهی و کار عملی نیز استفاده می‌شود. در این کشور برای آموزش زبان انگلیسی از روش ترجمه گرامری (ترجمه از اردو به انگلیسی و به عکس) استفاده می‌شود (نصاب تعلیمی پاکستان، ۲۰۰۷).

در برنامه درسی زبان‌آموزی افغانستان، معلمان موظف‌اند تا روش‌های تدریس را با یکدیگر ترکیب نمایند و آموزش را با کیفیتی بالا به دانش‌آموزان ارائه کنند. از جمله روش‌های تدریس در این کشور می‌توان به این موارد اشاره کرد: سخنرانی، پرسش و پاسخ، استفاده از سخنگوی میهمان، استفاده از فن‌آوری آموزشی، واحد پروژه، بحث و کار گروهی و بارش مغزی (نصاب تعلیمی افغانستان، ۲۰۰۸). در برنامه درسی زبان‌آموزی تاجیکستان، تدریس از معلم محوری فاصله گرفته و به سمت دانش‌آموز محوری سوق پیدا کرده به طوری که اکثر دانش‌آموزان در فعالیت‌های کلاسی درگیر می‌شوند. (تعامل دانش‌آموز با دانش‌آموز یا معلم با دانش‌آموز). از جمله روش‌های تدریس در این برنامه، بحث گروهی و پرسش و پاسخ می‌باشد (نصاب تعلیمی تاجیکستان، ۲۰۰۶).

با توجه به یافته‌های محقق در مورد روش‌های مورد استفاده در کشورهای فوق می‌توان گفت که بیشترین تأکید این کشورها برای آموزش مهارت‌های زبان ملی بر استفاده از روش‌هایی مانند: پرسش و پاسخ، سخنرانی، بحث و گفتگو، یادگیری تعاملی و بحث و کار گروهی می‌باشد. در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که در چهار کشور مورد مطالعه تدریس به سمت دانش‌آموز محوری سوق پیدا کرده و آنچه اهمیت دارد فعالیت دانش‌آموز در جریان تدریس و یادگیری است که در اثر تعامل دانش‌آموز با معلم و دانش‌آموزان دیگر، این یادگیری عمیق‌تر خواهد شد.

پرسش چهارم: محتوای برنامه درسی زبان‌آموزی در دوره ابتدایی ایران، افغانستان، پاکستان و تاجیکستان از چه مواد و موضوعاتی تشکیل شده است؟

مطابق یافته‌های تحقیق محتوای برنامه درسی زبان‌آموزی در ایران شامل:

الف) کتاب بخوانیم شامل مهارت‌های شفاهی زبان (خواندن، تصویرخوانی، متن خوانی، شناخت واژه و حروف یا نشانه، درک مطلب، نکته و واژه آموزشی)

ب) کتاب بنویسیم شامل مهارت‌های کتبی زبان (نوشتن شکل حروف و واژه‌ها، جمله‌سازی، املا و انشا)

موضوعات، مفاهیم، مهارت‌ها و فعالیت‌های مندرج در محتوا:

الف- مفاهیم:

۱- نکات دستوری و زبانی و واژگان ۲- نگارش و رسم الخطی ۳- نکات املائی ۴- نکات دانشی

۵- نکات ارزشی ۶- نکات ادبی

ب- مهارت‌های زبانی:

۱- ۱- گوش دادن و سخن گفتن ۲- خواندن ۳- نوشتن ۴- واژگان

ج- فعالیت‌های ویژه:

۱- بازی ۲- شعر ۳- نمایش ۴- با هم بخندیم ۵- روان خوانی ۶- کتاب خوانی ۷- جدول ۸- چپستان

(راهنمای برنامه درسی فارسی ابتدایی، ۱۳۸۶)

محتوای برنامه درسی زبان‌آموزی در پاکستان شامل:

۱- متون خواندنی

۲- تجارب نوشتنی

۳- ترجمه گرامری (روان خوانی)

۴- شناخت حروف الفبا

۵- شناخت کلمات

۶- ساخت کلمات

۷- گرامر (کامل کردن جملات)

۸- لغت

۹- جمله سازی

۱۰- درک مطلب (نصاب تعلیمی پاکستان، ۲۰۰۷)

محتوای برنامه درسی زبان آموزی در افغانستان شامل:

۱- متون خواندنی

۲- فعالیت‌های نوشتاری

۳- سخن گفتن و گوش دادن

۴- آشنایی با حروف الفبا

۵- نگارش و رسم الخطی

۶- خطاطی (نصاب تعلیمی افغانستان، ۲۰۰۸)

محتوای برنامه درسی زبان آموزی در تاجیکستان شامل:

۱- مواد خوانداری

۲- مواد نوشتاری

۳- نکات املائی

۴- شناخت حروف الفبا

۵- شناخت لغت

۶- روان خوانی

۷- گوش دادن و صحبت کردن (نصاب تعلیمی تاجیکستان، ۲۰۰۶)

با توجه به یافته‌های تحقیق به نظر می‌رسد که در محتوای برنامه‌های درسی مورد نظر، تأکید بر متون خواندنی، تجارب نوشتنی، گوش دادن، سخن گفتن، شناخت حروف الفبا، کلمات، جمله سازی، نگارش و آموزش مهارت‌های پایه در اولویت قرار دارند.

پرسش پنجم: مواد و منابع یادگیری مهارت‌های زبانی در برنامه درسی زبان آموزی دوره ابتدائی ایران، افغانستان، پاکستان و تاجیکستان چیست؟

مطابق یافته‌های تحقیق، مواد و منابع یادگیری مهارت‌های زبانی در برنامه درسی زبان آموزی ایران شامل: کتاب‌های بخوانیم و بنویسیم، کتاب‌های راهنمای معلم، کتاب روش تدریس فارسی ابتدائی، کتاب مهارت آموزی زبان فارسی، مجلات آموزشی، فیلم‌ها، نوارهای صوتی، و لوح‌های فشرده آموزشی و

ابزارهای کمک آموزشی است (راهنمای برنامه درسی فارسی ابتدایی، ۱۳۸۶). مواد و منابع یادگیری مهارت‌های زبانی در برنامه درسی زبان‌آموزی پاکستان شامل کتاب‌های درسی، فلش کارت ها، نوارهای صوتی و اسلاید می‌باشد (نصاب تعلیمی پاکستان، ۲۰۰۷). مواد و منابع یادگیری مهارت‌های زبانی در برنامه درسی زبان‌آموزی افغانستان شامل کتاب‌های درسی، تصاویر، اسلاید، پوستر، نقشه جغرافی، حضور در لابراتوار و کتابخانه و استفاده از کتاب‌های موجود است (نصاب تعلیمی افغانستان، ۲۰۰۸).

مواد و منابع یادگیری مهارت‌های زبانی در برنامه درسی زبان‌آموزی تاجیکستان شامل کتاب‌های درسی می‌باشد (نصاب تعلیمی تاجیکستان، ۲۰۰۶).

مطابق یافته‌های تحقیق مهم‌ترین یادگیری در این کشورها کتاب درسی است که از وسایل سمعی و بصری در کنار آن برای درک بهتر آموزش مهارت‌های زبانی به دانش‌آموزان استفاده می‌کنند.

پرسش ششم: نحوه‌ی ارزشیابی از زبان و پیشرفت مهارت‌های زبانی در برنامه درسی زبان‌آموزی دوره ابتدایی ایران، افغانستان، پاکستان و تاجیکستان به چه صورت است؟

بنابر یافته‌های تحقیق، رویکردهای ارزشیابی از مهارت‌های زبانی در برنامه درسی زبان‌آموزی ایران عبارتند از:

- ۱- ارزشیابی از مهارت‌های شفاهی زبان
 - ۲- ارزشیابی تلفیقی از مهارت‌های کتبی زبان
 - ۳- ارزشیابی از فرایند آموزش و فعالیت دانش‌آموزان
 - ۴- ارزشیابی مستمر و توصیفی در کنار ارزشیابی پایانی
- روش‌های ارزیابی نیز به سه دسته ارزیابی‌های کتبی، شفاهی و مشاهده رفتار تقسیم می‌شوند. ابزارهای اندازه‌گیری هم عبارتند از:

- ۱- آزمون‌های کتبی شامل سؤالات تکمیل کردنی، کوتاه پاسخ، انشایی و ... از مهارت نوشتن.
- ۲- آزمون‌های شفاهی شامل پرسش شفاهی از مهارت‌های گوش دادن، گفتن و خواندن.
- ۳- چک لیست، ابزار اندازه‌گیری عملکرد دانش‌آموزان در مشاهده رفتار برای ارزیابی میزان عملکرد دانش‌آموز در مهارت‌های ارتباطی و توانایی‌های ذهنی و شرکت در فعالیت‌های گروهی و مهارت‌های شفاهی زبان (راهنمای برنامه درسی فارسی ابتدایی، ۱۳۸۶).

رویکردهای ارزشیابی از مهارت‌های زبانی در برنامه‌درسی زبان‌آموزی پاکستان عبارتند از: ارزیابی تکوینی و ارزیابی تشخیصی روش‌های ارزیابی نیز به دو دسته ارزیابی‌های کتبی و شفاهی تقسیم می‌شوند.

۱- آزمون‌های کتبی شامل؛ نوشتن حروف الفبا به ترتیب و به‌طور کامل، وصل کردن کلمات به تصاویر مربوط به آن، نوشتن کلمات و خواندن آنها، کامل کردن کلمات، وصل کردن کلمات به کلمات متضاد آن، پر کردن جای خالی کلمات در جمله، ساختن کلمات از حروف داده شده، پر کردن جاهای خالی کلمات در جمله و بکار بردن کلمات در جمله‌ها.

۲- آزمون‌های شفاهی شامل؛ نوشتن حروف الفبا روی تخته و خواندن آنها با صدای بلند و خواندن لغات با صدای بلند (نصاب تعلیمی پاکستان، ۲۰۰۷).

رویکردهای ارزشیابی از مهارت‌های زبانی در برنامه‌درسی زبان‌آموزی افغانستان در صنوف اولی الی سوم دوره اول ابتدائی معمولاً به قسم تقریری بوده در حالی که در صنوف بالاتر شاگردان با توزیع اوراق خاص امتحان، به قسم تحریری از طریق حل سئوالات انتخابی یا نوشتن یک موضوع مورد نظر، ارزیابی می‌گردند. در مضمون قرآن کریم، خواندن و قرائت کردن یک وسیله مهم ارزیابی به شمار می‌رود.

روش‌های ارزیابی نیز به دو دسته ارزیابی‌های کتبی و شفاهی تقسیم می‌شوند.

۱- آزمون کتبی شامل؛ سئوالات کامل کردنی، بله خیر، سئوالات کوتاه پاسخ و سئوالات چهار جوابی می‌باشد.

۲- آزمون شفاهی شامل؛ پرسش‌های شفاهی از مهارت‌های گوش دادن، گفتن و خواندن باشد. در برنامه‌درسی زبان‌آموزی تاجیکستان، درباره‌ی رویکردهای ارزشیابی از مهارت‌های زبانی مطلب روشنی ذکر نشده است (نصاب تعلیمی افغانستان، ۲۰۰۸).

جدول ۳. تطبیق نحوه ارزیابی از مهارت‌های زبان ملی در دوره ابتدائی ایران و سه کشور مورد مطالعه

| تاجیکستان | افغانستان | پاکستان | ایران |
|-----------|-------------------------------------|-------------------------------------|--|
| | ۱. ارزیابی تقریری | ۱. ارزیابی تکوینی | ۱. ارزشیابی از مهارت‌های شفاهی زبان |
| | ۲. ارزیابی تحریری | ۲. ارزیابی تشخیصی | ۲. ارزشیابی تلفیقی از مهارت‌های کتبی زبان |
| | ۳. ارزشیابی از مهارت‌های شفاهی زبان | ۳. ارزشیابی از مهارت‌های شفاهی زبان | ۳. ارزشیابی از فرایند آموزش و فعالیت‌های دانش‌آموزان |
| | ۴. ارزشیابی از مهارت‌های کتبی زبان | ۴. ارزشیابی از مهارت‌های کتبی زبان | ۴. ارزشیابی مستمر و توصیفی در کنار ارزشیابی پایانی |

در برنامه‌درسی زبان فارسی ایران، دستورالعمل ارزشیابی و ابزارهای متناسب برای سنجش آموخته‌ها (کتبی، شفاهی و چک لیست) و نحوه محاسبه نمره‌ها و سطح قابل قبول تعیین گردیده است در صورتی که در برنامه‌درسی کشورهای مورد مطالعه، این جامعیت وجود ندارد.

بحث و نتیجه گیری

با توجه به یافته‌های حاصل از پژوهش و نیز نتایج به دست آمده از تحلیل پرسش‌های ۱ تا ۶ می‌توان نتیجه‌گیری کرد که:

۱- در برنامه‌درسی زبان‌آموزی افغانستان، پاکستان و تاجیکستان هدف آشنا ساختن شاگردان با محیط و طبیعت و شناخت بهتر و بیشتر طبیعت جزء اهداف آموزش زبان دوره ابتدایی بیان شده است در حالی که در برنامه‌درسی زبان‌آموزی ایران به این نکته در حد کمی پرداخته شده است.

۲- در برنامه‌درسی زبان‌آموزی افغانستان و تاجیکستان به تقویت و برانگیختن حس کنجکاوی اهمیت داده شده اما در کشور ایران و پاکستان در برنامه‌درسی تلاشی در این زمینه صورت نمی‌گیرد.

۳- از آنجایی که کشورهای مورد بررسی به شیوه متمرکز اداره می‌شوند، در نتیجه آزادی عمل معلمان در نوع روش تدریس و نحوه بکارگیری و استفاده از آن برای آموزش زبان محدود می‌باشد.

۴- در برنامه‌درسی زبان‌آموزی کشورهای مورد مقایسه با ایران، اهتمام بیشتری نسبت به استفاده از مواد و منابع یادگیری جهت افزایش مهارت‌های زبانی و آموزش زبان می‌شود و از کامپیوتر، منابع اینترنتی، سایت‌های خاص برای در اختیار گذاشتن مواد و منابع آموزش زبان در افزایش اطلاعات و آگاهی معلمان برای آموزش زبان، انتقال تجارب معلمان به یکدیگر استفاده بیشتری می‌گردد.

۵- نظام ارزشیابی کشورهای مورد مطالعه، محدود به ارزشیابی کتبی و شفاهی از آموخته‌های دانش‌آموزان شده و به خود ارزیابی آنها توجه نشده است. البته در برنامه‌درسی زبان‌آموزی ایران تاحدودی به موضوع خودارزیابی توجه شده است.

برنامه‌درسی زبان‌آموزی در ایران محاسن و کمبودهایی دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱- در این برنامه‌درسی به نیازها و ضرورت‌های تغییر برنامه با استناد به پژوهش و ساختار محتوای برنامه قبلی به خوبی اشاره شده است.

۲- در این برنامه‌درسی اصول و ضوابط طراحی برنامه، اجرا و ارزشیابی و سازماندهی محتوا و آموزش

به شیوه تلفیقی و درهم تنیده در فصلی جداگانه مشخص شده است و برای هر کدام از این اصول راهکارهای عملی نیز ذکر شده است.

۳- در این برنامه درسی همچنان که قبلاً گفته شد، رویکردها و روش‌های عام و خاص برنامه درسی زبان‌آموزی دوره ابتدایی به روشنی بیان شده است تا راهنمای عمل مسئولان، مجریان و مخاطبان برنامه باشد.

۴- در این برنامه درسی اهداف کلی و ویژه هر پایه به تفکیک مهارت‌های گوش دادن، گفتن، خواندن و نوشتن و در سه حیطه‌ی شناختی، عاطفی و مهارتی بیان شده است.

۵- در این برنامه درسی ضمن ترسیم ساختار محتوای کتاب‌های درسی فارسی ابتدایی، مفاهیم مختلف دانشی، ارزشی، نگارشی، املائی، دستوری و ادبی نیز فهرست شده است.

۶- در این برنامه درسی دستورالعمل ارزشیابی و ابزارهای متناسب برای سنجش آموخته‌ها (کتبی، شفاهی و چک لیست) و نحوه محاسبه نمره‌ها و سطح قابل قبول تعیین گردیده است.

۷- در این برنامه درسی مطالب و مواد لازم برای حمایت و پشتیبانی از اجرای برنامه و همچنین اعتبار بخشی از برنامه فهرست و تعیین گردیده است.

۸- در این برنامه درسی به نسبت مهارت‌های شفاهی و کتبی و به بیان دیگر مهارت‌های دریافتی و تولیدی زبان مرز رویکردها مشخص گردیده و به همین دلیل دو کتاب بخوانیم و بنویسیم تولید گشته است.

۹- به دلیل تأکید بر رویکرد فعالیت محور و تلفیقی هم در سازماندهی محتوا و هم سازماندهی فعالیت‌ها و تجارب یادگیری فرصت‌های مناسبی برای اجرای برنامه توسط دانش‌آموزان پیش بینی شده است.

۱۰- به دلیل تکیه بر رویکردهای تجربه‌زبانی و موقعیتی به ویژه در مناطق دو زبانه از فعالیت‌ها و تمرین‌های مناسبی جهت تقویت مهارت‌های زبانی استفاده است.

۱۱- در این برنامه درسی به پدیده‌ی خوش خطی و رابطه‌ی آن با پرورش ذوق و تلطیف عواطف توجه ویژه‌ای شده است و به همین جهت در محتوای کتب خط تحریری به عنوان خط نوشتاری رایج انتخاب شده است.

۱۲- پرورش تفکر در نیمه‌ی پنهان برنامه و کتب درسی سایه‌گستر بر کلیه فعالیت‌های برنامه و اجرای تدریس معلمان شده است و این امر بر جذابیت و گیرایی و پذیرش برنامه افزوده است.

کمبودهای برنامه درسی زبان‌آموزی دوره ابتدایی در ایران:

۱- از آن جا که در این برنامه سیر مراحل طراحی از بالا به پایین بوده است لذا در عناصر برنامه مانند هدف، محتوا، روش و ارزشیابی دیدگاه متمرکز کاملاً مشهود است هرچند کتاب‌های درسی بخوانیم و بنویسیم از انعطاف پذیری بیشتری برخوردار است اما در برنامه‌درسی کشورهای مورد مطالعه علی‌رغم تمرکز، انعطاف بیشتری به چشم می‌خورد.

۲- راهکارها، استانداردها و استراتژی‌های عملی برای استفاده در کلاس‌ها به روشنی معین نشده است. تنها راهکارهای برنامه برای برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران می‌باشد. به همین دلیل معلمان در اجرای آموزش تنها به رویکردها متکی هستند در حالی که در کشورهای مورد نظر در مقایسه حتی به روش‌ها و تکنیک‌های مختصر و حزیبی نیز اشاره شده و نحوه استفاده از آن‌ها به روشنی مشخص گردیده است. ۳- روش‌های پیشنهادی در برنامه بیشتر شامل روش‌های عام تدریس است و به روش‌ها و تکنیک‌های ویژه‌ی آموزش زبان فارسی کمتر توجه شده است به همین جهت معلمان ممکن است به دلیل ابهام از روش‌های عام مانند گروه بندی، همیاری و سخنرانی بهره بگیرند.

۴- در هیچ بخش برنامه درسی زبان‌آموزی ایران به خرده مهارت‌ها و کارافزارهای قابل استفاده دانش‌آموزان در کلاس‌های درس اشاره نشده است و به همین جهت بین اهداف برنامه و اجرای محتوای کتاب حلقه‌ی مفقوده‌ای ایجاد شده است که گاه به دلیل تنوع و تکثر فعالیت‌های انعطاف پذیر، تحقق اهداف در حاشیه قرار می‌گیرد، در حالی که در برنامه‌درسی کشور‌های مورد نظر خرده مهارت‌ها و زیر مواد مهارت‌های زبانی به‌طور دقیق ترسیم شده است.

۵- در برنامه‌درسی زبان آموزی ایران از تلفیق فقط برای ارائه مفاهیم دروس مختلف در محتوای برنامه استفاده شده است اما در طراحی، اجرا و ارزشیابی این رویکرد جایی باز نکرده است در نتیجه نوعی ناهماهنگی بین روش تدریس و محتوا با اهداف و ارزشیابی دیده می‌شود.

۶- در این برنامه درسی اشاره‌ای به منابع یادگیری یعنی دانش آموز، جامعه و ماهیت زبان فارسی نشده است تنها در راهنمای معلم به‌طور مختصر مطالبی نقل شده است که در عمل قابل استفاده نیست. در حالی که در برنامه‌درسی کشورهای مورد نظر دانش آموز و منابع یادگیری محور اصلی می‌باشد.

پیشنهاد‌های کاربردی

- ۱- تجدید نظر و بازنگری در برنامه درسی زبان آموزی ایران
- ۲- استفاده از روش‌های تدریسی اکتشافی و حل مسأله در آموزش زبان فارسی
- ۳- پیش بینی راهکارهای عملی برای انعطاف پذیری بیشتر برنامه درسی زبان آموزی ایران
- ۴- تهیه امکانات برای استفاده دانش‌آموزان از منابع اینترنتی و بانک‌های اطلاعاتی الکترونیکی، جهت انجام تحقیقات، ارائه سمینارها، سخنرانی‌ها و موارد مشابه در راستای تقویت مهارت‌های زبانی
- ۵- استفاده سازمان‌های آموزشی نظیر سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش، دانشکده‌های علوم تربیتی و زبان شناسی از نتایج پژوهش‌های تطبیقی
- ۶- انجام پژوهش‌های تطبیقی جدید درخصوص برنامه‌های درسی زبان آموزی کشورهای دیگر
- ۷- انجام پژوهش‌های تطبیقی جدید در زمینه برنامه‌های درسی زبان آموزی مقاطع بالاتر (راهنمایی، دبیرستان و دانشگاه)

منابع:

- اکبری، محبوبه (۱۳۸۵). زبان آموزی دوره ابتدایی. مجموعه مقالات برگزیده اولین، دومین و سومین همایش زبان آموزی در دوره ابتدایی، تهران، نشر تمرین.
- بخشش، مریم (۱۳۸۴). مطالعه تطبیقی برنامه درسی زبان آموزی دوره ابتدایی ایران و آمریکا، پایان نامه کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی درسی، به راهنمایی دکتر بهمن زندی، دانشگاه پیام نور تهران.
- دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی (۱۳۸۶). راهنمای برنامه درسی فارسی ابتدایی، تهران، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، ویراست سوم.
- جوادی، محمدجعفر (۱۳۸۰). مقایسه تطبیقی برنامه‌های درسی زبان انگلیسی در دو نظام رسمی و غیر رسمی کشور به منظور ارائه یک الگو، تهران، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، دفتر تکنولوژی آموزشی.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۸۲). مقایسه تاثیر آموزش محتوای کتاب‌های قدیم و جدید فارسی (بخوانیم و بنویسیم) بر پیشرفت زبان آموزی دانش‌آموزان سال اول ابتدایی استان مرکزی در سال ۸۲-۱۳۸۱، پایان نامه

- کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی درسی، اراک، شورای تحقیقات آموزش و پرورش استان مرکزی.
- زندگی، بهمن (۱۳۸۰). روش تدریس زبان فارسی در دوره دبستان، تهران، انتشارات سمت، چاپ چهارم.
- زندگی، بهمن (۱۳۸۱). زبان‌آموزی، تهران، انتشارات سمت.
- زندگی، بهمن (۱۳۸۳). اصول و مبانی برنامه درسی آموزش زبان فارسی، تهران، انتشارات پیام نور، چاپ اول.
- شریفیان، احمد (۱۳۸۱). بررسی تطبیقی نظام ارزشیابی پیشرفت تحصیلی در هفت کشور جهان و ارائه الگوی مناسب برای آموزش و پرورش ایران. تهران، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.
- شریفی، هدیه (۱۳۷۶). تعیین رویکردها و روش‌های آموزش زبان فارسی در دوره آمادگی و پایه اول و دوم دبستان. تهران، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی.
- قاسم پورمقدم، حسین (۱۳۸۳). بررسی تطبیقی دیدگاه‌ها، رویکردها و روش‌های برنامه درسی زبان‌آموزی، تهران، فصلنامه علمی پژوهشی برنامه‌ریزی درسی و نوآوری‌های آموزشی، شماره ۱۰.
- وزارت معارف افغانستان (۲۰۰۸). نصاب تعلیمی افغانستان، پروگرام زبان دری و پشتو، کابل، افغانستان.
- وزارت معارف پاکستان (۲۰۰۷). نصاب تعلیمی پاکستان، پروگرام زبان اردو، اسلام‌آباد، پاکستان.
- وزارت معارف تاجیکستان (۲۰۰۶). نصاب تعلیمی تاجیکستان، پروگرام زبان تاجیکی، دوشنبه، تاجیکستان.

Amino Remain, (2005). Ithacan university. Impact of public examination system on teaching and learning in Pakistan.

EFA (2000). Tajikistan. www. Unesco.org/education.

Habib Borjian (2006). Tagikistan. www. Iranica . com.

Jillian wars (2004-5). Harvard university.

Leila Dodykhadoeva (2002). The socio linguistic situation & language Policy.

M.Faig(2006). not The best way tie teach English. www.Using English. com.

Muriel Aktin (2005). B.A, PhD . Tajikistan .encarta.msn .com / encyclo pedia.

- OsI Tajikistan (2000). Hasp and scholarship programs .
- Sikunder ali baber (2005). Alborg university. Bettina Dahl.
- Stephen Bahry(2003).The potential of Bilingual Education in Tajikistan، university Toronto.
- Tahir Andrabi (2002). ponomo university Pakistan Test Feasibility survey.
- wiki media Institute (2007). Education in Pakistan .en. Wikipedia . Org
www. Tajik-gateway . org.
www . country- data . com
- the resolution of the government of the republic of Tajikistan (2004).
www . us-english . org / foundation.
- what should be the language of instruction in Pakistan primary schools . www .
yespakistan . com. (2007)
www. Education . tj / documents.